انتخابات شوراها، فرصتی واقعی یا ازپیش سوخته؟

۵ هفته‌ای بیش به انتخابات دوره دوم شوراها باقی نمانده است. رویدادی که در کنار اعتراضات دانشجویی پاییز امسال می‌تواند روشن‌ترین پیام‌ها را به گوش کسانی که از نزدیک روندهای جاری کشور را تعقیب می‌کنند، برساند.

شواهد عدیده و از جمله میزان ۳۳ درصد کاهش در تعداد داوطلبان عضویت در شوراها (۲۲۲۸۰۲ نفر در مقابل ۳۳۴۱۳۹ نفر در دور پیشین) گواه آن است که بخش‌های وسیعتری از مردم کشور ما امید به اصلاحات از طریق تقویت نهادهای دموکراتیک در چهارچوب نظام موجود را از دست می‌دهند و در انتظار موج جدیدی هستند که به صورت یک انقلاب سیاسی یا رفراندمی ساختارشکن یا تحولی اساسی در چنین حدود و ثغوری روی دهد. از این رو علاوه بر نیروهایی که سیاست معمولشان در انتخابات گوناگون سال‌های اخیر تحریم بوده است، بخشی از دانشجویان و نیروهای رادیکال پیرامون اصلاح‌طلبان حکومتی و توده‌های وسیع سرخورده از کندی روند اصلاحات معتقد شده‌اند تا زمانی که زمینه‌های یک تحول اساسی آینده‌ساز در کشور پدید نیاید در هیچ انتخاباتی نباید شرکت کرد.

از سوی دیگر اقتدارگرایان حکومتی نیز در این دور شکست خود را محتوم می‌دانند و از این رو تمایلی برای گرم‌کردن تنور این انتخابات ندارند. آنان از شوراها به عنوان پروژه شکست خورده اصلاح‌طلبان یاد می‌کنند و کوشش می‌کنند شکست فاحش قابل پیش‌بینی خود را از هم اکنون به حساب تقلب اصلاح‌طلبان بگذارند. آنان پس از سال‌ها دخالت در روند انتخابات، این‌بار به هیچ‌گونه نمی‌توانند نظارتی استصوابی را اعمال کنند و دستشان هم در هیئت‌های اجرائی و هم هیئت‌های نظارت بسته است، مگر در جاهایی که دولت یا مجلس برای نشان‌دادن «حسن نیت» خود، انجام این امور را به جناح مخالف خود سپرده باشند که ظاهراً در بعضی نقاط کشور چنین شده است.

به این ترتیب صحنه‌گردان اصلی این انتخابات اصلاح‌طلبان حکومتی هستند. ایشان با اینکه نتوانستند قانون جدیدی را برای انتخابات شوراها به تصویب برسانند و مجبور گردیدند بر چهارچوب قانون قبلی مصوب سال ۱۳۷۵ عمل کنند، هیئت‌های اجرائی و هیئت‌های نظارت را از آن خود دارند. عمده داوطلبان نیز حسب انتظار از طیف‌های گوناگون این جریان سیاسی هستند. اقتدارگرایان به جز لایه نازکی از عقلاگرایانشان برای پیشبرد مقاصدشان نیازی به حضور در شوراها نمی‌بینند و بخشی از نیروهای چپ و دموکرات و همچنین نیروهای میانه و لیبرال یا فعالان اقلیت‌های ملی و مذهبی که خواهان ایفای حقوق شهروندی خویش می‌باشند و دیگر نیروهای سکولار با بیم و امید ثبت‌نام کرده‌اند و در انتظار برخورد هیئت‌های اجرائی و نظارت و میزان تعهد آنان به شعار «ایران برای همه ایرانیان» که زمانی اعلام کرده بودند، می‌باشند.

اصلاح‌طلبان حکومتی به خوبی می‌دانند که میزان مشارکت آن بخش از مردم که هنوز به شرکت یا عدم شرکت در انتخابات شوراها فکر می‌کنند به نحوه برخورد آنان در هیئت‌های اجرائی و نظارت مربوط است. در دور قبل با کنار گذاشتن ۳۳ هزارنفر از داوطلبان (از جانب هیئت‌های اجرائی وابسته به اصلاح‌طلبان حکومتی) و ۱۵ هزار نفر از سوی هیئت‌های نظارت (در آن هنگام وابسته به اقتدارگرایان) و بررسی شکایات رد صلاحیت‌شدگان نهایتاً نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر واجد شرایط انتخاب‌شدن شناخته شدند. اما امروز از همین ابتدا تنها حدود ۲۲۵ هزار نفر برای انتخاب‌شدن ثبت نام کرده‌اند. هیئت‌های اجرائی و نظارت بسیار بعید است که معدود کاندیداهای اقتدارگرایان را رد صلاحیت کنند. با این حال حضور آنان در این دور انتخابات به جز موارد انگشت‌شماری در سنتی‌ترین روستاها و شهرها که شاید امکان رقابت جدی میان آنان با کاندیداهای اصلاح‌طلبان حکومتی را فراهم آورد، شور خاصی پدید نخواهد آورد و مشارکت مردم در جاهایی که تنها کاندیدای اقتدارگرا و اصلاح‌طلب حضور داشته باشد از حداقلی فراتر نخواهد رفت.

تفاوت‌های اندک طیف‌های اصلاح‌طلب حکومتی در شهرهای کوچک و متوسط و روستاها نیز به ویژه از آن رو که گروه‌های دو خرداد تصمیم به ارائه لیست مشترک گرفته‌اند در حدی نیست که در صورت عدم حضور نیروهای سکولار استقبال چندانی از انتخابات به عمل آید. با این اوصاف اصلاح‌طلبان حکومتی در هیئت‌های اجرائی و نظارت اگر اندکی دوراندیشی سیاسی داشته باشند از سلاح رد صلاحیت به مانند اقتدارگرایان استفاده نمی‌کنند و احراز صلاحیت اکثریت قریب به اتفاق ۲۲۵ هزار داوطلب را اعلام می‌کنند.

۴ سال پیش، قبل از انتخابات اعلام شده بود که ۲۰۰۲۳۴ نفر به عنوان عضو اصلی و علی‌البدل به شوراها راه خواهند یافت. یک هفته پس از انتخابات وزیر کشور با اعلام اینکه ۳۱ هزار روستا جمعیت کمتر و ۳۵۰۰ روستا داوطلب کمتر از حد نصاب داشته‌اند، و ۲ میلیون نفر از مردم عشایر کشور نیز مشمول قانون نشده‌اند، تعداد اعضای شورا را ۱۹۰۱۷۳ نفر اعلام کرد.

امروز گفته می‌شود که ۱۶۴۰۲۲ نفر در شوراها فعال هستند. از آنجا که هم جمعیت کشور در سال‌های گذشته افزایش یافته است و هم قاعدتاً بخش بیشتری از کسوتنشینان کشور در این سال‌ها ساکن شده‌اند و هم به گفته مسئولان حکومتی درصد بیشتری از روستاهای کشور حدنصاب لازم را از نظر جمعیت و داوطلبان کسب کرده‌اند (۹۴/۷۲٪ به جای ۹۲/۵۴٪) و شوراهای منحله تجدید سازمان می‌یابند، طبعاً باید تعداد کل اعضای شوراها افزایش یابد و به رقم ۱۷۰ هزار نفری که گفته می‌شود نزدیک گردد.

در دور پیشین ۲۳ میلیون و ۶۶۰ هزار نفر از مجموع ۳۷ میلیون نفر واجدان شرایط در انتخابات شورا شرکت کردند. این بار تعداد واجدان شرایط حدود ۴۳ میلیون نفر می‌باشد. تاکنون خوش‌بین‌ترین ناظران نیز رقم ۲۰ میلیون شرکت‌کننده در این انتخابات را چندان قابل حصول نمی‌دانند.

در شهرهای بزرگ در هر حال انتظار می‌رود که شور بیشتری نسبت به شهرهای کوچک و روستاها در جریان باشد. در شهر تهران ۲۰۰۴ نفر که ۹۰ برابر حد نصاب است ثبت نام کرده‌اند که افراد خوش‌نام در میان آنان کم نیستند. شور انتخاباتی در تهران طبعاً می‌تواند به شهرهای بزرگ و کوچک دیگر تا حدی تسری یابد. انحلال بعضی از شوراها از جمله شورای تهران هر چند که می‌تواند تأثیر منفی معینی در استقبال مردم از انتخابات شوراها بگذارد، اما مردم کشور ما بارها نشان داده‌اند که فرزندان زمان هستند و در لحظه‌ی معین با ارزیابی شرایط تصمیم تعیین‌کننده‌ی خود را می‌گیرند. از این رو برای تصمیم‌گیری قطعی و نهایی باید هنوز صبر کرد.

گفته شده است که ۱۵۰ هزار نفر از ۲۲۵ هزار کاندیدای ثبت‌نام کننده (دو سوم) بین ۲۵ تا ۴۵ سال سن دارند. نسبت زنان کاندیدا نیز با افزایش ناچیزی از ۲/۱۷٪ به ۲/۶٪ رسیده است با این وجود انتظار می‌رود استقبال مردم از جوانان، زنان و کاندیداهای نیروهای سکولار بسیار بیشتر از نسبت کمی آنان در میان کاندیداها باشد.

انتخابات شوراها شاید آخرین پس‌موج حرکت گسترده ۲ خرداد باشد. تاکنون هیچ نشانه‌ای از آنکه انتخابات دوره دوم شورا موج بزرگی از دگرگونی را پدید آورد، به چشم نمی‌خورد.

پتانسیل انباشته‌شده عظیمی راه را بر تحولات بنیادین در جامعه ما باز می‌کند. فرصت‌های انتخاباتی می‌توانند بخشی از این انرژی را کانالیزه کرده و دستاوردهای پایداری را برای مردم حاصل نمایند. اما شواهد حداقل تاکنون براین دلالت ندارند که روندها بدین سمت سیر خواهند یافت.

متهمان پرونده «نوارسازان» تبرئه شدند

دادگاه تجدید نظر متهمان پرونده «نوارسازان» شیرین عبادی و رهامی را از اتهامات تبرئه کرد.

محمد سیف‌زاده وکیل دادگستری اظهار داشت: این پرونده ۸ متهم داشت، که در دادگاه بدوی محکوم شده بودند. ما از این رای دادگاه بدوی تقاضای تجدید نظر کردیم. خوش‌بختانه این رای در یک دادگاه بی‌طرف مورد رسیدگی قرار گرفت و بیش از ۹۹ درصد از ایرادات ما را وارد دانست. حکم دادگاه تجدید نظر امیرفرشاد ابراهیمی را با احتساب گذشته به یک سال زندان و شیرین عبادی را به ۳۰۰ هزار تومان جریمه نقدی متهم کرد. پرونده «نوارسازان» در مورد اعترافات امیرفرشاد ابراهیمی از اعضای سابق نیروهای انصار حزب‌الله بود و او در اظهارات خود پرده از بسیاری مسایل برداشته و روابط گروه‌های فشار برداشته بود. این نوار را شیرین عبادی و رهامی وکلای دادگستری در اختیار مقامات قرار دادند تا مدرکی برای دستگیری گروه‌های فشار باشد. پس از آن قوه قضاییه این دو وکیل را به جرم نشر اکاذیب دستگیر کرد و آنان را «نوارسازان» نام نهاد. و حول این مسئله هیاهوی بسیاری راه‌انداخت و طی حکمی این دو تن را از وکالت محروم کرده و فرشاد ابراهیمی را نیز به جرم نشر اکذیب به زندان محکوم کرد. پس از تبرئه متهمان این پرونده مشخص شد که ادعای قوه قضاییه کذب بوده است ولی هنوز مقاماتی که با قاطعیت و با تبلیغات بسیار حول این مسئله جنجال سیاسی به پا کرده بودند. هیچ‌گونه پاسخی برای جعلیات خود ندادند. و از طرفی با نقض حکم دادگاه اولیه راستی ادعاهای فرشاد ابراهیمی دال بر رابطه تشکیلاتی گروه‌های فشار با یک‌دیگر و سرنخ آن با مسئولین اثبات می‌شود و در این صورت بایستی این مسئله پی‌گیری شود که آن‌هم مسکوت مانده است.

پس از اعلام این حکم امیرفرشاد ابراهیمی متهم این پرونده در گفتگو با خبرنگار ایسنا گفت: انتظاری که همه ما از دادگاه تجدید نظر داشتیم این بود که با توجه به آن که از قاضی شعبه بدوی شکایتی به دادگاه انتظامی قضات داده بودیم و قاضی در این دادگاه محکوم شده بود و از سمت قضایی خود تعلیق شده بود طبیعتا باید رسیدگی مجددی از سوی دادگاه تجدید نظر انجام می‌گرفت ولی بدون این که از ما بخواهند که در دادگاه حاضر شویم، اقدام به صدور حکم کردند و رسیدگی آن‌چنانی صورت نگرفته است وی افزود: هدف ما چه در زمان دادگاه و چه همین روز که حکم به دستمان رسیده، گرفتن برائت نبوده بلکه هدف اصلی این بود که به هر جهت اظهارات ما ثابت و در محکمه قضایی به آن رسیدگی شود ولی متاسفانه به آن چه در نوار گفته بودیم، توجهی نشده است.

هم‌کاری مستقیم صدا و سیما با بازجویان

به دنبال افشای این امر که از طریق ارائه اخبار جعلی رادیو تلویزیونی به فرد زندانی، بازجویان تلاش می‌کنند روحیه وی را تخریب کنند و این شیوه‌ای است که مکررا به کار برده شده است، همکاری مسئولان صدا و سیما با بازجویان مورد اعتراض برخی تشکل‌های دانشجویی قرار گرفت. برخی دانشجویان اعلام کردند که اخبار جعلی تلویزیون توسط همان مجریان برای علی افشاری به نمایش گذاشته می‌شد و این نشان می‌دهد مسئولان صدا و سیما مستقیما در باز جویی‌ها نقش داشته و همکاری می‌کنند. برملاشدن این موضوع انزجار شدیدی را در میان برخی دانشجویان برانگیخته است.

تهدید به ادامه قتل‌های زنجیرهای

حزب‌الله: خودمان اعدام می‌کنیم.

در شهر قم نامه‌ای خطاب به هاشمی شاهرودی در تیراژی وسیع توزیع شده است. این نامه امضای حزب‌الله را دارد و در بخشی از آن آمده است:

«اکنون همه سخن بر سر این است که اگر تاکنون خود وارد عمل نشده‌ایم و صبر کرده‌ایم و بدن‌های منحوس چنین افرادی را در میادین شهرها بر سر دار نزده‌ایم نه از سر ترس از ملامت دیگران و یا جان خودمان بوده است، بلکه تنها علت این بوده است که در نظام اسلامی این وظیفه را قوه قضاییه بر عهده دارد و بیش و پیش از هر کس باید خود وارد جریان شده تا اولا با نظارت قوی پیش‌گیری نماید و ثانیا در صورت وقوع با تشکیل دادگاه‌ها حکم مرتد و ساب را بدون مسامحه و معطلی در ملاء عام اجرا نماید. به راستی جای شگفتی است که در مصر و بنگلادش و نیجریه و انگلیس مرتدین همچون تسلیمه نسرین، مرتیسی و سلمان رشدی هر لحظه در انتظار مرگند و با وحشت زندگی می‌کنند و ما چنین منفعلانه عمل می‌کنیم و اخیرا نیز باخیر شده‌ایم که پرونده این ملحد دین‌ستیز، کافر مرتد مهدور الدم «هاشم آغاجری» از قم منتقل شده است و دستان ناپاک زیادی متحد گشته‌اند تا نگذارند این حکم خدا اجرا شود و بر قاضی مربوطه فشار می‌آورند تا در نتیجه در مرکز فقاهت و انقلاب، شهر خون و قیام «قم» پرونده سهر و ارتداد برای همیشه تعطیل گردد که اگر چنین اتفاقی بیفتد همان‌طور که فقیه اسلام‌شناس علامه مجاهد حضرت آیت‌الله مصباح یزدی هشدار دادند، نه تنها حکم ارتداد سلمان رشدی نیز فاقد اثر می‌گردد، بلکه در سال آینده ده‌ها مرتد در همین کشور سر برخواهند آورد و آنگاه دیگر حریمی برای پیامبر عظیم‌الشان نخواهد گذاشت. اما همه این را گفتیم تا این را بگوییم که بالاترین مقدسات سوگند یاد می‌کنیم، اگر خائنان قوه قضاییه را تحت فشار قرار دهند و علیرغم اراده محکم، صلابت ایمان و غیرت انقلابی شخص حضرتعالی، این قوه در این موضوع (حکم آغاجری و...) مصلحت‌اندیشی کند و نتواند حکم مرتد و ساب‌النبی را به اجرا درآورد، ما عاشقان پاک‌باخته اسلام و انقلاب بار دیگر درست همانند سال‌های دفاع مقدس، خائنین و سابین و اهانت‌کنندگان به حریم ملکوتی پیامبر بزرگ خدا و ائمه اطهار (س) را در هر زاویه‌ای که پناه بگیرند، بیرون آورده و در هر نقطه‌ای که آنان را بیابیم به هر صورت که شده با شیوه‌ای شهادت‌طلبانه حکم خدا را در موردشان اجرا خواهیم نمود و بر سر آن جان خویش را هدیه می‌کنیم و اگر زنده ماندیم هر حکمی را که دادگاه در موردمان اجراکند با جان و دل خریداریم.

برگزاری مراسم ۵۸مین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان ایران در بلژیک

در بروکسل در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۳، اعضای حزب دموکرات کردستان ایران - بلژیک، مراسمی را به مناسبت ۵۸مین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان ایران، برگزار کردند. در این مراسم از احزاب و سازمان‌های ایرانی و غیرایرانی دعوت به عمل آمده بود. از احزاب ایرانی دعوت شده به مراسم، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بلژیک و بخش اروپایی حزب ملت ایران شرکت داشتند. پیام‌های دو سازمان فوق توسط رفیق علی صمد و آقای ادیب خوانده شد. برنامه فوق از دو بخش سیاسی و فرهنگی و هنری تشکیل شده بود که در بخش سیاسی علاوه بر خواندن پیام دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران، کاک علی‌زاده به سخنرانی پیرمون اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران به زبان کردی پرداخت. سپس برنامه با خواندن شعر و دیگر برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری تا پاسی از شب ادامه یافت. در طول برنامه بین نمایندگان دفتر اروپایی حزب ملت ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بلژیک و کاک علی‌زاده از حزب دموکرات کردستان ایران پیرامون اوضاع و احوال ایران و وضعیت اپوزیسیون و روند همکاری و اتحاد میان احزاب بخصوص میان جمهوری‌خواهان به بحث و تبادل نظر پرداخته شد.

پیام سازمان به مناسبت این برنامه

با سلام به خدمت دوستان حزب دموکرات کردستان ایران - کمیته بلژیک

رفقای عزیز، در ۵۸مین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان ایران از فرصت بوجود آمده استفاده کرده و در چنین روزی، همبستگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را با مبارزات و خواست‌های حزب دموکرات کردستان ایران که همان دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان باشد، اعلام می‌کنیم. سازمان ما بر این باور است که امروز در وضعیت کنونی جنبش دموکراتیک کشورمان، نیاز به همبستگی، هم‌کاری و اتحاد میان سازمان‌های دموکرات، آزادیخواه، چپ و جمهوری‌خواه بیش از پیش احساس می‌شود. ما احزاب و سازمان‌های ایرانی این بار می‌بایست بیش از گذشته به این خواست دیرینه و دموکراتیک مردم کشورمان توجه نماییم. همکاری و اتحاد بر اساس اصول مشترک و دموکراتیک می‌بایست به یک سطح عالی که در واقع همان تشکیل جبهه جمهوری‌خواهان آزادیخواه باشد، ارتقاء یابد. حزب دموکرات کردستان ایران به عنوان یکی از احزاب مترقی و آزادیخواه کشور در این عرصه می‌تواند کمک‌های موثر و زیادی را به جنبش دموکراتیک و جمهوری‌خواه کشور نماید. در این مبارزه سازمان ما حزب دموکرات کردستان ایران نزدیکی و اشتراکات زیادی دارد و همواره در این پیکار، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کنار حزب شما قرار دارد.

در اینجا بار دیگر ۵۸مین سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان ایران را به حزب شما و از طریق شمابه مردم کردستان ایران تبریک می‌گوئیم و در ضمن از این که حزب شما در بلژیک، کمیته‌ای را برای فعالیت‌های حزبی تشکیل داده است بسیار خرسند هستیم و امیدواریم بتوانیم در مبارزات سیاسی و دموکراتیک ایرانیان در بلژیک همکاری‌های نزدیکی با حزب شما داشته باشیم.

سازمان فدائیان خلق ایران
- اکثریت - بلژیک
۱۲ - ژانویه ۲۰۰۳

گزاشی در مورد بیماران هموفیلی

غلامرضاکیاپور

از روزنامه اعتماد

پنج‌شنبه شب هفته‌ای که گذشت دوربین‌های شبکه خبر سیما، صحنه‌های غم‌انگیزی از بی‌پناهی بیماران هموفیلی را که همگی با چشمانی اشک‌بار در برابر تنها درمانگاه‌شان اجتماع کرده بودند، به نمایش گذاشت. عده‌ای زن و مرد جوان با چشم‌هایی به گود نشسته، گونه‌هایی برآمده و جمجمه‌هایی از حالت طبیعی خارج شده. در یک نگاه معلوم می‌شد که سن هیچ‌کدامشان به ۳۰ سال نمی‌رسد. اما هموفیلی تصویر انسان‌هایی سالمند و پا به دوران پیری نهاده از آن جوان‌ها ساخته بود. بر روی نرده‌های ساختمان درمانگاه پلاکاردی به چشم می‌خورد که روی آن از مردم و از مقامات برای جلوگیری از اجرای حکم تخلیه تنها درمانگاه شده بود و صندوق اعانه‌ای که برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی در کنار در ورودی ساختمان گذاشته بودند. چند تا از دختران و پسران هموفیلی در برابر دوربین‌های شکبه خبر سیما در نهایت درماندگی و در حالی که سیل اشک از گونه‌های استخوانی‌اش سرازیر بود، ملتمسانه به ما مردمی که سالی چند بار جشن عاطفه‌های پر سر و صدا می‌گیریم، اما از هر چه عاطفه است، تهی شده‌ایم می‌گفتند شما را به خدا نگذارید این تنها پناهگاه ما را از ما بگیرند.

ادامه در صفحه ۴